

۲۰۱۰/۲/۲

دکتور عبدالرب ناظری

اتحادیه استادان پوهنتون های افغانستان

از تأسیس اتحادیه استادان پوهنتون های افغانستان که نقش با ارزشی در میدان مبارزاتی کشور داشته، حدود چهار دهه میگذرد. با تأسف فراوان اسناد معتبری بخصوص در دیار غربت در زمینه وجود ندارد. بیم آن میرود که آهسته آهسته حوادث آزمون به فراموشی سپرده شود. با وجود این کمبود بمثابة فعالین و از جمله بنیانگذاران اتحادیه استادان پوهنتون های افغانستان، خواستیم به هدف جلوگیری از ضایعه تاریخ جنبش دانشگاهی و سیاسی یک دوره از تاریخ سیاسی کشور این نوشته را از حافظه بهمه هموطنان، مبارزان آزادیخواه امروز و فردا بخصوص استادان و محصلین تقدیم نماییم.

این نوشته به محترم داکتر صاحب حیدر خان، سابق رئیس پوهنتون، از بنیانگذاران و عضو کمیته اجراییه پوهنتون های افغانستان برای ابراز نظر فرستاده شد که با محبت های همیشگی فرمودند که با ۹۹،۹۹٪ متن موافق اند که از محترم داکتر صاحب بخاطر زحمت و محبت شان ابراز امتنان میشود. به یقین در این نوشته کمبود هائی وجود دارد که به یقین هموطنان ما در تکمیل آن ما را یاری میرسانند. شاید هم نامهایی فراموش شده باشد که آرزو داریم ما را با بزرگ منشی عفو نموده و بما کمک فرمایند تا این خلأ را پر نماییم. اینست برگی سبز و تحفه درویش.

پوهنتون ها در سراسر دنیا مهد علم و دانش، فلسفه ها و تیوری ها، مباحث علمی و سیاسی و در نتیجه صحنه فعالیت های گوناگون سیاسی و میهن پرستی بوده و در همین چهار دیواری های اکادمیک رهبران کشور دانش و کار آئی را فرامی گیرند و محصلان بمثابة قشر آگاه قلب پر تپش هر جامعه پویا و بالنده را تشکیل میدهند. افغانستان نمیتوانست و نمیتواند از این امر مستثنی باشد. شاید بتوان برای مدتی تپش این قلب را بطی ساخت ولی هرگز نمیتوان آنرا برای ابد از حرکت باز داشت و در غیر آن مرگ و نابودی جامعه خواهد بود.

پوهنتون های افغانستان طی سالیان دراز پیشتاز و پیش قراول مبارزات و فعالیت های آزادی خواهانه بوده و هزاران عالم و معلم و دکتور و انجنیر، اهل سیانس، حقوقدان و اقتصاد دان و غیره و غیره به جامعه تقدیم نموده اند و هم فداکارانه با رفتن به زندان ها، شکنجه گاهها و حتی تا مرگ قربانی داده اند.

بسیاری از استادان و محصلان میهن پرست در جنگ مقاومت دوشادوش دیگر هموطنان در برابر تجاوز غیر انسانی اتحاد شوروی فداکارانه جنگیده و قربانی ها داده اند. نباید گذاشت که سو استفاده بعضی از رهبران سیاسی از احساسات پاک جوانان برای اهداف ناپاک جریانهای سیاسی و قومی آئینه پاک مراکز علمی را مکرر نماید.

پس از حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ که در جامعه ما با دهل و سرنا داد سخن از دیموکراسی زده میشود و بطور نسبی در بعضی زمینه ها از جمله در مطبوعات تحولاتی بوجود آمده است امید میرفت که در پوهنتون ها موازی به این روند آزادی ها و دیموکراسی نهادینه میشود. با دریغ فراوان وضع پوهنتون های افغانستان چه از نظر علمی و وسایل درسی، چه از بابت کمبود استادان و مربیان ورزیده بخصوص در رشته های سیانس و انجنیری (تکنالوژی) و کمبود فضای آزادیهای دیموکراتیک در حالت بد و درد آور قرار دارد.

امروز دستاورد ها و تمامی زحمات و فدا کاریهای سالیان دراز استادان و محصلان بر باد رفته اند. پوهنتون که جای تعلیم، پرورش و تفکر است به فضای بسته ای تبدیل شده است. آقای رئیس جمهور با فرمانی کاربرد واژه هایی را ممنوع قرار میدهد که نه صلاحیت علمی این کار را دارد و نه صلاحیت اجرایی آنرا. میگوید که پوهنتون جای علم است و کسی حق ندارد در آنجا سیاست کند. مگر سیاست جز علم و آموزش نیست؟ مگر فعالیتهای سیاسی در پوهنتون نمیتواند سیاستمداران فردای کشور ما را پرورش دهد؟ آقای عبدالکریم خرم وزیر فرهنگ از شنیدن کلمه دانشگاه عصبانی شده عکس العمل نشان میدهد. از همه جالبتر آقای اعظم داد فر که خود از فعالین جنبش شعله جاوید و عضو فعال اتحادیه محصلین بود در مقام وزارت تحصیلات عالی نه تنها اتحادیه محصلین را نفی مینمایند حتی هر نوع فعالیت سیاسی را ممنوع میدانند. دولت افغانستان با هراس از خطرات و پیامدهای سیاسی شدن افکار محصلان و پوهنتونها خواسته است حق مسلم انتخاب و آزادی بیان و اندیشه را از محصلان بگیرد و صدای آنها را در گلو خفه کند. آیا بهتر نیست که محصلان و استادان از حقوق دیموکراتیک برخوردار بوده و به مبارزات علنی و مفید بحال جامعه پردازند تا اینکه چماق استبداد را به بهانه سیاسی نکردن پوهنتون ها بر فرق محصلان بکوبیم و این محیط اکادمیک را به چهار دیواری استبداد فکری تبدیل سازیم، و با پالیسی های نادرست شاگردان را بسوی مبارزات مخفی سوق دهیم که پیامد آن بسیار خطرناکتر خواهد بود؟

هر چند حرکات گسسته و سازمان نیافته در بین محصلین وجود دارد ولی استادان محترم پوهنتون که مسؤولیت آموزش، پرورش و تقدیم افراد به درد بخور به جامعه را بعهده دارند مهر سکوت بر لب بسته اند و گویا گوشه عافیت را گزیده اند تا از گزند روزگار در امان باشند، باستانی شماری چند باندازه انگشتان یک دست که آنهم در مصاحبه های تلویزیونی در انظار مردم ظاهر میشوند. استادان ارجمند بدانند که مسؤولیت شان فقط چند فارمول ریاضی و فزیک نیست، تنها چند تئوری اقتصادی و یا هر رشته دیگر نا کافیهست. استادان در برابر شاگردان و در برابر مردم و در برابر تاریخ مسؤولیت دارند تا در نو سازی و بازسازی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه نقش سازنده و فعال داشته باشند. هرگاه در مراکز علمی سکوت مرگبار حکمفرما باشد به کجا میتوان امید بست!!!

با تحلیل و درک وضع کنونی خواستیم سخنی چند در باره گذشته دانشگاه و جنبش دانشگاهی با مردم، با جوانان و بخصوص با محصلان و استادان داشته باشیم تا محصلان و استادان از فراز و نشیب، شربینی ها و تلخکامی ها، پیروزی ها و شکست های گذشته جنبش آگاه بوده و در پیوند با جنبش دیروزی در مبارزات آتی دانشگاهی استفاده نمایند. پیش از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ در دانشگاهها فضای باز تری وجود داشت. که این فضای باز با مبارزات پیگیر سالیان دراز و قربانی های محصلان و استادان چه بصورت انفرادی و یا گروهی صنفی و چه در چوکات اتحادیه یی و بخصوص اتحادیه اول محصلان پوهنتون سال تأسیس ۱۳۲۹، اتحادیه دوم محصلان پوهنتون سال تأسیس ۱۳۴۸ و بلاخره اتحادیه استادان پوهنتون های افغانستان سال تأسیس ۱۳۵۰ بدست آمده بود. در آنزمان روسای پوهنخی ها، شورای پوهنتون و رئیس پوهنتون انتخابی بودند، و استادان و محصلان در امور دانشگاهی حق ابراز نظر داشتند. جنبش اتحادیه های محصلان و استادان شکل تنظیم یافته و سازمان یافته مبارزه دانشگاهی بوده که باهمه مشکلات، باهمه کمی و کاستی ها نه تنها در پوهنتون متمر ثمر و مفید بوده بلکه نقش نهایت ارزنده در روشنگری و آگاهی دهی مردم در مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشته اند. علاوه بر آن اتحادیه استادان پوهنتونهای افغانستان الهام بخش، امید وار کننده و بشکلی از اشکال مرجع داد خواهی مردم مظلوم در سراسر کشور شده بود.

جنبش استادان در ابتداء در انستیتوت پولی تخنیک کابل نسج گرفته و رشد یافت. بلاخره این جنبش به تشکیل جبهه استادان پولی تخنیک انجامید. این جبهه در دو محور فعالیت داشت. یکی خواست های صنفی مربوط به پولی تخنیک از بهبود پروگرامهای درسی، شرایط کارهای تئوری و عملی دانشجویان، روابط بین استادان و محصلان، استخدام کدر علمی گرفته تا سرسبزی، نهال شانی و مسایل محیط زیست را در بر میگرفت. محور دوم عبارت بود از مبارزه برای بوجود آوردن فضای دیموکراتیک و عدالت و مبارزه در برابر فاشیزم قبیله ای حزب دیموکراتیک خلق که جو حاکم در انستیتوت پولی تخنیک بود.

گرچه تمامی اعضای جبهه در همه بخش ها و امور سهم فعال داشتند اما در محراق این مبارزه روشنفکران نهضت راه سوم قرار داشتند. نکته اساسی در سیاستهای این نهضت اتکای اصلی بر مردم و در اولویت قرار دادن منافع ملی، عدم وابستگی به بیگانگان، رد هر نوع هژمونی طلبی و دنباله روی کورکورانه میباشد. آنگاه که جنبش استادان پولی تخنیک در سطح معینی از رشد خود رسیده بود تصمیم گرفته شد تا این جنبش در هماهنگی با استادان پوهنتون و با اتحادیه محصلان گسترش یابد. خوشبختانه این زمان مصادف با طرح لوایح و قوانین پوهنتون های افغانستان در شورای پوهنتون و در مجلس وزرا بود که زمینه گسترش جنبش را برابر مینمود. این لوایح و قوانین با ماهیت ضد دیموکراتیک و منافی خواسته های دانشجویان موج خشم و عکس العمل های دانشجویان را بوجود آورده و مورد اعتراض بسیاری از استادان پوهنتون قرار گرفت. این زمینه خوبی برای گردهمایی ها و بحث و گفتگو ها و تفاهم بین استادان و همچنان بین استادان و گروه های مختلف سیاسی در آستانه تشکیل اتحادیه استادان بحث و گفتمان در رابطه به مسایل پوهنتونی میان استادان گروه های مختلف سیاسی و همچنان با استادان غیر وابسته بر مبنای شناخت ها و دوستی های سابقه آغاز شد تا بلاخره به برگزاری جلسات عمومی گرانید. در این جلسات عده زیادی از استادان از تمامی پوهنخی ها شرکت میکردند. و عده ای قابل ذکر از این استادان در بحث ها فعالانه سهم میگرفتند.

در یکی از جلسات موضوع ایجاد اتحادیه استادان مطرح گردید که مورد استقبال گرم استادان و محصلان حاضر در اتاق جلسه قرار گرفت. از سوی مجلس چند نفر موظف شدند تا مسوده برنامه را ترتیب و جهت مطالعه به جلسه ارائه نمایند. در جلسه عمومی هر ماده مورد جر و بحث قرار گرفته و به رای گیری گذاشته میشد. چند ماده زیاد و چندی هم بکلی عوض یا از برنامه برداشته شدند. در رایگیری ها اکثر آقا محمد احسان تره کی، آقای علی احمد زهما، آقای حبیب الله تزی، آقای یحی ابوی، آقای غلام جیلانی عارض، و گاهگاهی آقای دکتور عبد الرحیم نوین، آقای مایار و چندی از استادان غیر سازمانی با خلقی ها و پرچمی ها موضوع گیری مشترک داشتند. برعکس آقای پژواک، دکتور محمد حیدر، دکتور سید هاشم صاعد، میر حبیب الله حبیب، آقای کریمی، دکتور یاری، دکتور رزبان، دکتور مهربان، استادان پوهنخی انجنیری و جبهه استادان پولی تخنیک در موقف مشترک قرار داشتند. در صف اخیر

اکثریت استادان را شخصیت های ملی و روشنفکران چپ و مردمی تشکیل میدادند. موضعگیری آقایون بلبل شاه جلال و احمد شاه جلال زیاد روشن نبود. در میان استادان غیر وابسته عده ای بیک سمت و عده ای دیگر بسوی دیگر تمایل داشتند و تعدادی هم گاهی با این گروه و زمانی با گروه دیگر همراهی مینمودند. بلاخره برنامه و اساسنامه به تصویب رسید و اتحادیه استادان پوهنتون های افغانستان در ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) تأسیس گردید.

به یقین در مبارزات جمعی سیاسی، اتحادیه یی و یا سندیکایی یک فرد هرگز نمیتواند همه کاره میدان باشد اما باید یاد آور شد که در تشکیل اتحادیه استادان پوهنتون های افغانستان آقای فضل الربی پژواک بحیث یک شخصیت ملی و آدم غیر سازمانی و بیطرف نقش قابل یاد آوری داشته اند. اما هرگز نباید سهم گیری فعال و نقش استادانی مانند آقای داکتر محمد حیدر، آقای دکتور سید هاشم صاعد، آقای بلبل شاه جلال، آقای احمد شاه جلال، آقای علی احمد زهما، آقای دکتور صادق علی یاری، آقای دکتور سید ظاهر رزبان، آقای دکتور محمد هاشم مهربان، آقای صفر محمد نظری، آقای استاد میرآقا، دکتور فضل احمد احراری، آقای میر حبیب الله حبیب، آقای دکتور عبدالرحیم نوین، آقای دکتور محمد احسان تره کی، آقای دکتور محمد یحی ابوی، آقای دکتور سید محمد، آقای منصور هاشمی، آقای مرشدی، آقای محمود سوما، آقای سرفراز مهمند، آقای عبدالرشید جلیلی، آقای محمد قاسم مایار، آقای دکتور رسول قندهاری، آقای رازمحمد پکتین و دیگر استادان را فراموش کرد. از جبهه استادان پولی تخنیک انجنیر حبیب الرحمن نیازی، دکتور عبد الرب ناظری، دکتور سعید افغانی، دکتور محمد ناصر شفیع، دکتور اسدالله حیدری، انجنیر عبداللطیف محمودی، انجنیر علی آقا رفیع، انجنیر سید گل ثاقب، انجنیر محمد علی صمدی، انجنیر فیض محمد جهانیار، آقای محمد انور فیاض، آقای آدینه رسول و آقای اسدالله مراد در بحث ها سهم فعال داشته و در تشکیل اتحادیه نقش مبرم داشته اند.

جبهه استادان پولی تخنیک بمثابة یک کتله آگاه، متحد و یکپارچه در ایجاد اتحادیه استادان پوهنتون های افغانستان نقش اساسی داشته و بخصوص در رای گیری ها با بوجود آوردن اکثریت گاه گاهی باعث ناراحتی و عصبانیت آقای دکتور محمد احسان تره کی، آقای زهما، آقای تژی و آقای عارض میشد. چنانچه یکبار طرح سنترالیزم دیموکراتیک از سوی انجنیر حبیب الرحمن نیازی به خود خواهی دکتور محمد احسان تره کی بر خورده او را تا جایی عصبانی ساخت که فریاد زد که: (اینها کی هستند؟ اول باید معلوم شود که اینها استاد اند). محترم دکتور محمد حیدر جبهه استادان پولی تخنیک را ستون فقرات اتحادیه استادان پوهنتون های افغانستان میدانستند. نام های اعضای جبهه استادان پولی تخنیک در اخیر آمده است.

تعداد کثیری از استادان بطور منظم در جلسات شرکت میکردند و شمار قابل ملاحظه از استادان پوهنخی های مختلف در ایجاد اتحادیه سهم فعال گرفته اند و هر یک از استادان در ایجاد اتحادیه نقشی داشته اند. رسانه های نوشتاری آزاد جریان جلسات استادان و مبارزات اتحادیه استادان و اتحادیه محصلان را بطور وسیع منعکس مینمودند. نشریات متعدد از جمله جریده روزگار چهار استاد آقای فضل الربی پژواک، دکتور سید هاشم صاعد، دکتور صادق علی یاری و دکتور عبدالرب ناظری را از بنیانگذاران اتحادیه استادان پوهنتون های افغانستان معرفی میکردند. پس از تصویب برنامه و اساسنامه باید اعضای مجلس نمایندگان و از میان آنها اعضای کمیته اجراییه بر مبنای رایگیری سری، آزاد و مستقیم بر گزیده میشدند.

راه سوم مربوط به جبهه استادان پولی تخنیک، از یک سو مبارزه مخفی را پیش میبردند و از جانب دیگر اتحادیه برای شان یک وسیله تلقی میشد نه هدف، بالطبع نباید تعداد زیادی به کمیته اجراییه فرستاده میشد. فقط چند نفری را از جبهه به مجلس نمایندگان و کمیته اجراییه کاندید نمودند.

در وقت رایگیری اتحادیه به دو جناح تقسیم شده و فقط سه نفر توانستند مورد تأیید آرای هر دو طرف قرار گیرند. آقای فضل الربی پژواک، آقای دکتور محمد حیدر و دکتور سعید افغانی که هر سه افراد ملی، غیر سازمانی و بیطرف بودند بالترتیب بالاترین آرا را بدست آوردند. اما بقیه هر یک آرای جناح خود و چند نفر غیر وابسته را کسب کردند.

در جریان رای گیری پرچمی ها و خلقی ها ائتلاف نموده و با یک جناح اتحادیه (احسان تره کی و دوستان شان) موضعگیری مشترک داشتند. پرچمی ها به خلقی ها رای دادند ولی برعکس خلقی ها به پرچمی ها رای ندادند و باصطلاح انتقام بیصداقتی پرچمی ها در انتخابات اتحادیه محصلین را گرفتند و از سوی دیگر تعداد پرچمی ها محدود بود یعنی چهار عبدالحمید برنا، تیمور یوسفی، دکتور سید محمد و آقای مرشدی (و سرفراز مهمند که بعد ها در وقت قدرت پرچمیها متعلق به جناح پرچم بود). به همین علت حتی یکی از پرچمی های شناخته شده هم نتوانست به مجلس نمایندگان و در نتیجه به کمیته اجراییه راه یابد.

کسانی که در مجلس نمایندگان انتخاب شدند عبارت اند از :

۱ - آقای فضل الربی پژواک از پوهنخی حقوق

- ۲ - آقای دکتور محمد حیدر از پوهنځی حقوق
 - ۳ - آقای دکتور سید هاشم صاعد از پوهنځی حقوق
 - ۴ - آقای محمد احسان تره کی از پوهنځی حقوق
 - ۵ - آقای بلبل شاه جلال از پوهنځی ساینس
 - ۶ - آقای احمد شاه جلال از پوهنځی ساینس
 - ۷ - میر حبیب الله حبیب از پوهنځی ساینس
 - ۸ - آقای دکتور صادق علی یاری از پوهنځی طب
 - ۹ - آقای دکتور سید ظاهر رزبان از پوهنځی طب
 - ۱۰ - آقای دکتور هاشم مهربان از پوهنځی طب
 - ۱۱ - آقای سید جلال از پوهنځی طب ننګرهار
 - ۱۲ - آقای منصور هاشمی از پوهنځی تعلیم و تربیه
 - ۱۳ - آقای محمود سوما از پوهنځی تعلیم و تربیه
 - ۱۴ - آقای سر فراز مهمند از پوهنځی تعلیم و تربیه
 - ۱۵ - آقای صفر محمد نظری از پوهنځی انجنیری
 - ۱۶ - دکتور فضل احمد احراری از پوهنځی فارمسی
 - ۱۷ - آقای عبدالرشید جلیلی از پوهنځی زراعت
 - ۱۸ - آقای میر آقا از پوهنځی زراعت
 - ۱۹ - محمد قاسم مایار از پوهنځی زراعت
 - ۲۰ - آقای دکتور سعید افغانی از پولی تخنیک کابل
 - ۲۱ - آقای دکتور سید گل ثاقب از پولی تخنیک کابل
 - ۲۲ - آقای دکتور محمد شریف نوری از پولی تخنیک کابل
 - ۲۳ - آقای محمد علی صمدی از پولی تخنیک کابل
 - ۲۴ - آقای دکتور رسول قندهاری از پولی تخنیک کابل
 - ۲۵ - آقای عبداللطیف محمودی از پولی تخنیک کابل
 - ۲۶ - آقای راز محمد پکتین از پولی تخنیک کابل
 - ۲۷ - آقای محمد انور فیاض از پولی تخنیک کابل
 - ۲۸ - آقای گلزار امینی از پولی تخنیک کابل
 - ۲۹ - آقای اسدالله مراد از پولی تخنیک کابل
 - ۳۰ - آقای فتح گل مهمند از پولی تخنیک کابل
 - ۳۱ - آقای دکتور عبد الرب ناظری از پولی تخنیک کابل
- اعضای کمیته اجرائیه نه نفر عضو اصلی و دو نفر علی البدل بقرار زیر بودند : ۱ - آقای فضل الربیع پژواک از پوهنځی حقوق رئیس اتحادیه
- ۲ - آقای دکتور سعید افغانی از پولی تخنیک معاون اتحادیه
 - ۳ - آقای دکتور سید هاشم صاعد از پوهنځی حقوق منشی اتحادیه
 - ۴ - آقای دکتور محمد حیدر از پوهنځی حقوق عضو
 - ۵ - آقای دکتور صادق علی یاری از پوهنځی طب عضو
 - ۶ - آقای دکتور سید ظاهر رزبان از پوهنځی طب عضو
 - ۷ - آقای دکتور محمد هاشم مهربان از پوهنځی طب
 - ۸ - آقای انور فیاض از پولی تخنیک عضو
 - ۹ - آقای دکتور عبد الرب ناظری از پولی تخنیک عضو
- و اعضای علی البدل کمیته اجرائیه :
- ۱۰ - آقای دکتور فضل احمد احرار از پوهنځی فارمسی عضو
 - ۱۱ - میر آقا از پوهنځی زراعت عضو

از ۹ نفر اعضای اصلی کمیته اجرائیه آقایون فضل الربی پژواک، دکتور محمد حیدر و دکتور سید هاشم صاعد غیر سازمانی بودند و دکتور صادق علی یاری، دکتور سید ظاهر رزبان و دکتور محمد هاشم مهربان مربوط به شعله جاوید و دکتور سعید افغانی، انور فیاض، و دکتور عبدالرب ناظری نماینده های جبهه پولی تخنیک بودند. از

سازمانهای دیگر حزب خلق، پرچم، سازه، جوانان مسلمان، صدای عوام و... هیچ کسی در کمیته اجرائیه اتحادیه استادان عضویت نداشتند.

بر مبنای اساسنامه کمیته اجرائیه در هر دو هفته تشکیل جلسه میداد ولی جلسات فوق العاده گاهی هر هفته و در صورت نیاز هفته چند بار دایر میشد. علاوه بر آن جلسات مشترک را با کمیته اجرائیه محصلین برای ارزیابی مسایل دانشگاهی و با مسایل روز دایر مینمود. در این جلسات مشترک ملاقات ها، اعلامیه ها، میتنگ ها و تظاهرات مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و تصامیم لازم گرفته میشد.

پرواضحیست که مسایل دانشگاهی محور اصلی فعالیت های اتحادیه استادان را تشکیل میداد. در این بخش در زمینه های لوایح پوهنتونی، ارتقای سطح دانش و امکانات دیپلوم های مافوق لیسانس، رشد و انکشاف فرهنگی، تأسیس یک نشریه علمی دانشگاهی، کتابخانه و مدرنیزه کردن پوهنتون مورد مذاقه قرار میگرفت. اما در آن مقطع معین زمانی لوایح و قوانین دانشگاهی در محور مبارزه اتحادیه استادان و اتحادیه محصلان قرار داشت. اتحادیه محصلان که با تشکیل اتحادیه استادان خود را درموقف بهتر و نیرومند تر میدید، منظم تر و با قاطعیت بیشتر بمبارزات خود ادامه میداد. در ابتدا این مبارزه با تشکیل جلسات در کتابخانه پوهنتون پیگیری میشد که به برگزاری میتنگ ها در داخل ساحه پوهنتون انجامید. ولی حکومت در برابر خواست های برحق محصلان طرفه رفته و سخت سری نشان میداد. بنا بر آن اتحادیه ها تصمیم اعتصاب عمومی را در پوهنتونها گرفتند. در این اعتصابات نه تنها اعضای اتحادیه های استادان و محصلان سهم میگرفتند بلکه اکثریت قاطع محصلان و عده ای قابل ملاحظه استادان بیرون از اتحادیه هم هموایی و همراهی میکردند. اما حکومت فشار را بیشتر مینمود و حتی اعاشه لیلیه را قطع کرد. هر قدر فشار حکومت بیشتر میشد مبارزات استادان و محصلان با قاطعیت بیشتر ادامه می یافت.

بنا بحرف نشنوبی و یک دندگی حکومت این جلسات و میتنگ ها از ساحه پوهنتون خارج شده و به راه پیمایی های پیگیر و میتنگ های چند بار در هفته در پارک زنگارگر ائید. در این تظاهرات و میتنگ ها نه تنها استادان و محصلان پوهنتونهای افغانستان شرکت میکردند بلکه شاگردان رده بالای مکاتب، مامورین پائین رتبه و جمع غفیری از شهریان کابل سهم میگرفتند.

از سوی دیگر حکومت در یک درهم و برهمی قرار داشت و بحران بر جامعه حکفرما بود. دولت از شدت گرفتن جنبش و بحران در جامعه در هراس افتاده و تصمیم گرفت تا حد اقل به خواسته های محصلان و استادان پوهنتونها جواب مثبت داده و از شدت بحران بکاهد. لذا خواست از طریق پارلمان وابسته بخود دست بکار شود. کمیته تقنین ولسی جرگه هیأت مشترک اتحادیه های استادان و محصلان را برای ارزیابی خواست های شان دعوت نمودند. پس از مذاکره و بررسی کمیته تقنین و بعداً کمیته فرهنگی به حقانیت خواسته ها اذعان نموده و موقف اتحادیه ها را مورد تأیید قرار دادند. در نتیجه ولسی جرگه اتحادیه ها را حق به جانب دانسته و حکومت را به برآوردن خواست های اتحادیه ها وادار نمودند. حکومت مطابق نامه رسمی ولسی جرگه قانون پوهنتونها را ملغی قرار داده و از اتحادیه ها خواهش نمودند تا محصلان را ترغیب نمایند که مطابق آزادی های اکادمیک به دروس خود ادامه دهند. بدین ترتیب دولت مشکل پوهنتونها را در آن موقع از طریق ولسی جرگه حل و فشار جنبش را کاهش داد. دولت در این راه فقط چند گوسفندی قربانی داد: آقای دکتور عبدالقادر بها استعفی داد و بجایش آقای دکتور جاوید به ریاست پوهنتون گزیده شد. آقای دکتور غلام صدیق محبی بر کنار شد و بجایش آقای امان الدین انصاری نصب شدند و آقای حمید الله عنایت سراج از کابینه کناره گیری کردند و بجایش محمد یاسین عظیم بحیث وزیر مقرر شدند.

از آنجا که اکثریت قاطع اعضای اتحادیه، مجلس نمایندگان و کمیته اجرائیه روشنفکران آگاه و بیشتر چپ بودند طبعاً علاوه بر مبارات صنفی، مبارزه سیاسی جزء از اهداف آنها بود. در بخش داخلی مبارزه بخاطر آزادی، دیموکراسی و عدالت اجتماعی، مبارزه در برابر خرافات و واپسگرایی و مبارزه در برابر ارتجاع را در بر میگرفت و در بخش خارجی هدف اتحادیه مبارزه علیه قدرت های امپریالیستی و استعماری استعمارگر بود.

علاوه بر آن اتحادیه استادان پوهنتونهای افغانستان فعالیت های ماورای دانشگاهی داشت از جمله:

۱ - رهبری جنبش آب هیرمند در ارتباط تنگاتنگ با اتحادیه محصلان پوهنتون. در این ارتباط با صدور اعلامیه ها و ابلاغیه ها، میتنگ ها و تظاهرات شکوهمند فعالیت میکرد. در میتنگ ها فقط اعضای کمیته های اجرائیه هر دو اتحادیه حق سخنرانی داشتند. وای عجب که در این جنبش تمامی سازمان های سیاسی با وجود ادعاهای بزرگ دنباله رو اتحادیه ها بودند.

۲ - حرکت دیگری که اتحادیه استادان در رهبری آن نقش تعیین کننده داشته جنبش وزارت معادن و صنایع بود. در جلسه مشترک کمیته های اجرائیه هر دو اتحادیه و نمایندگان وزارت معادن و صنایع نماینده های پرچم آقای نجیب الله و خلیل زمر که هر دو عضو کمیته اجرائیه محصلان بودند تهدید نمودند که در صورت تماس به پروژه های مربوط به شوروی ها نه تنها همکاری نخواهند کرد بلکه عکس العمل نشان خواهند داد که این نظر از طرف نماینده راه سوم که نکته اساسی در سیاستهای این نهضت اتکای اصلی بر مردم و در اولویت قرار دادن منافع ملی، عدم وابستگی به

بیگانگان، رد هر نوع هژمونی طلبی و دنباله روی کورکورانه میباشد، شدیداً رد شد چه برای راه سوم منافع ملی مطرح بود نه اجرا کننده پروژه. بالاخره در این جلسه تصمیم گرفته شد که از استادان فقط آقایون فضل الربیع پژواک، دکتور سعید افغانی، دکتور محمد حیدر، دکتور سید هاشم صاعد که مربوط به جناح خاصی نیستند حق سخنرانی دارند و از اتحادیهٔ محصلین آقای ذبیح الله عصمتی.

۳ - مسأله سوم پیش روی اتحادیهٔ استادان قرار داشت، تشکیل اتحادیهٔ معلمان ولایت هرات بود که نماینده های شان به کمیتهٔ اجراییه اتحادیه مراجعه نموده بودند. اتحادیه استادان با تبادل نظر، رهنمایی های قانونی و حقوقی، تهیه برنامه و اساسنامه و کمک های بی شائبه در زمینه کمک شایانی نمود.

۴ - همدردی، کمک های مشورتی و در حد امکان عملی هموطنانی که از تظلم مامورین بالا رتبه و ارگانهای دولتی به کمیتهٔ اجراییه اتحادیهٔ استادان پوهنتونهای افغانستان مراجعه میکردند (با نوشتن درخواست ها، عرایض و با استفاده از شناخت ها و روابط)

۵ - تجربه تلخی که اتحادیه با آن مواجه شد برخورد بین سازمان جوانان مترقی و جوانان مسلمان بود که زمینه مداخله دولت را در پوهنتون مساعد ساخت. اتفاقاً در همان روز جلسه کمیتهٔ اجراییه دایر میشد. نماینده راه سوم جبهه پولی تخنیک که برای اشتراک جلسه به پوهنتون میرفت از جمناریم تا فاکولتهٔ حقوق و شرعیات متوجه تجمع جوانان مسلمان مسلح با سنگ و سوتی که هنوز شاخه های درختان را میشکستند شد. دور تر پیشروی تعمیر فاکولتهٔ طب تعدادی از شعله یی ها جمع شده و شعار میدادند. او به شعله یی ها اذهان نمود که با اندیشهٔ شان کاری ندارند اما حد اقل تناسب قوا را در نظر بگیرند و کاری نکنند که برای دولت بهانه ای برای مداخله در پوهنتون داده شود. از او تقاضا شد تا میان هر دو جناح میانجی گیری نماید. از سوی شعله یی ها آقای لیبب و آقای شاکر و از جانب جوانان مسلمان آقای محمد عمر (معروف به داکتر عمر) و آقای گلبدین حکمتیار در این مذاکره که در پیشروی ادیتوریم صورت گرفت سهم گرفتند. جالب است که در جریان این مذاکرات آقای حکمتیار که معمولاً آدم عصبانی می بود خیلی آرام به نظر میرسید و برعکس آقای محمد عمر که عادتاً خیلی آرام بود عصبانی مینمود. مذاکرات حدود پانزده دقیقه دوام یافت و تصمیم گرفته شد تا میتنگ ها خاتمه اعلان شود. بمجرد نزدیک شدن به تجمع جوانان مسلمان یک فرد کوژ پشت که در قلعه جواد بود و باش داشت و اکثراً در میتنگ ها و تظاهرات جوانان مسلمان شرکت میکرد با شعار الله اکبر همه را به حمله تشویق نمود. در نتیجهٔ این برخورد تعدادی از جوانان مسلمان زخم سطحی برداشتند و بر عکس تعداد زیادی از جوانان مترقی زخمی و سیدال سخندان با اسلحهٔ گرم کشته شد. نمایندهٔ جبهه پولی تخنیک موضوع را به اطلاع کمیتهٔ اجراییه رسانید که همه با هم به شفاخانه مراجعه نمودند سیدال سخندان که هنوز زنده در یک تذکره در دهلیز قرار داشت. بعد به لیله رفته به بقیه مجروحین رسیدگی نمودند. همان شب تا نزدیکی های نیمه شب در مراقبت و تداوی دانشجو های مجروح پرداخته شد. نماینده جبهه پولی تخنیک به داکتر محمد حیدر و داکتر سعید افغانی پیشنهاد نمود که وظیفهٔ ما به حیث اعضای کمیتهٔ اجراییه بخوبی انجام یافته و بقیه مربوط به سازمان جوانان مترقی میباشد لذا ما باید وظیفهٔ خود را انجام شده تلقی نموده و برگردیم.

اگرچه آقای فضل الربی پژواک رئیس اتحادیه و آقای دکتور سعید افغانی معاون شان بودند ولی ثقلت کار در کمیتهٔ اجراییه بعد از آقای دکتور سید هاشم صاعد بمثابهٔ منشی اتحادیه بود. اکثر نوشته ها را آقای صاعد و کم و بیش آقای فیاض تهیه میکردند که بعداً در کمیتهٔ اجراییه مورد جر و بحث قرار میگرفت. ارتباطات و نامه نویسی ها هم بوسیلهٔ همین دو نفر تأمین میشد.

در کمیتهٔ اجراییه تصمیم گرفته شد تا سالنامهٔ اتحادیه نشر شود. آقای داکتر سید هاشم صاعد و انور فیاض مؤلف شدند تا سالنامه را ویرایش نموده و به نشر بسپارند. بر مبنای تصمیم کمیتهٔ اجراییه هر عضو کمیته باید یک مضمون تهیه مینمود که در انتخاب موضوع از آزادی کامل برخوردار بود. قرار بود نوشته ها در کمیتهٔ اجراییه خوانده شوند اما کسی حق تعدیل و تغییر را نداشت. هر کسی به تنهایی و صد در صد مسؤلیت نوشتهٔ خود را بعهده داشت. هویداست هر عضو اتحادیه با در نظر داشت بینش سیاسی و فلسفی خود نوشتهٔ ای تهیه نمود که در کمیتهٔ اجراییه خوانده شد. نوشتهٔ نمایندهٔ راه سوم که بوسیلهٔ دو نفر از اعضای جنبش راه سوم که یکی از آنها عضو کمیتهٔ اجراییه بود، تهیه شده بود باعث نا راحتی و بر افروختگی آقای داکتر سید هاشم صاعد، داکتر صادق علی یاری و داکتر هاشم مهربان گردید. متن این نوشته موضعگیری راه سوم را تشریح میکرد که مطلب عمده در آن مردود شمردن هر نوع وابستگی به کشورهای خارجی، رد مشی دنباله روی، نسخه برداری کور کورانه، و برعکس تأکید بر منافع ملی و فرهنگ مردم بود. با تأسف با وجودیکه این نوشته در مغایرت با فیصلهٔ کمیتهٔ اجراییه قرار نداشت در انجام کار باعث شد که سالنامهٔ اتحادیه چاپ نشود.

باهمه ای مشکلات، کمی ها و کاستی ها اتحادیهٔ استادان پوهنتون های افغانستان مظهر جنبش مثبت روشنفکری مصدر خدمت با ارزشی در داخل پوهنتون و در بیرون از پوهنتون شده و از حمایت وسیع محصلین و حتی افراد دانشگاهی و مامورین پائین رتبه و شاگردان لیسه ها برخوردار بود. با تأسف این مرکز امید ها و آرزو ها پس از

کودتای سرطان ۱۳۵۲ بنا به شرایط خاص آنزمان، همانند بسیاری از بنیاد های مدنی فعالیت خویش را به تعلیق انداخت.

اعضای جبههٔ استادان پولی تخنیک که در اتحادیهٔ استادان پوهنتون های افغانستان سهم گرفته و اعضای صادق و وفادار باقی ماندند به ترتیب الفبا عبارت اند از :

آقای دیپلوم انجنیر عبدالاحد ریاضی
آقای دیپلوم انجنیر محمود اجراری
آقای دیپلوم انجنیر عبد الله احسان
آقای دکتور محمد اسلام
آقای دکتور سعید افغانی
آقای دیپلوم انجنیر امان الله
آقای دیپلوم انجنیر محمد امین
آقای دیپلوم انجنیر عبدالرزاق اندرابی
آقای دیپلوم انجنیر عبدالحمید برنا
آقای دیپلوم انجنیر خیر محمد تمنا
آقای دیپلوم انجنیر سید گل ثاقب
آقای دیپلوم انجنیر هدایت الله جلالی
آقای دیپلوم انجنیر فیض محمد جهانیار
آقای دیپلوم انجنیر محمد حسن
آقای دیپلوم انجنیر حسین
آقای دیپلوم انجنیر میر حسین شاه
آقای دکتور اجرالدین حشمت
آقای دکتور اسدالله حیدری
آقای دیپلوم انجنیر خلیل
آقای دیپلوم انجنیر خیرالله
آقای دیپلوم انجنیر کریم دهازاد
آقای دیپلوم انجنیر یحیی ذکا
آقای دیپلوم انجنیر خلیل رحیمی
آقای دیپلوم انجنیر آدینه رسول
آقای دیپلوم انجنیر علی آقا رفیع
آقای دیپلوم انجنیر داد الله رؤفی
آقای دیپلوم انجنیر میر سکندر شاه
آقای دیپلوم انجنیر سید کاظم
آقای دیپلوم انجنیر شاهپور
آقای دیپلوم انجنیر شاه محمود
آقای دیپلوم انجنیر اسدالله شریف
آقای دیپلوم انجنیر فیض محمد شفا
آقای دکتور محمد ناصر شفیع
آقای دیپلوم انجنیر زمری صالحی
آقای دیپلوم انجنیر زمری صدیق
آقای دیپلوم انجنیر سید صلاح الدین
آقای دیپلوم انجنیر محمد علی صمدی
آقای دیپلوم انجنیر نصرالدین عارفی
آقای دیپلوم انجنیر محمد نعیم عباس زاده
آقای دیپلوم انجنیر محمد عتیق
آقای محمد انور فیاض
آقای دیپلوم انجنیر هادی لودین
آقای دیپلوم انجنیر لطیف محمودی

آقای دیپلوم انجنیر اسدالله مراد
آقای دیپلوم انجنیر عبدالله مستندی
آقای دیپلوم انجنیر محمد اکبر معصومی
آقای دکتور عبدالرب ناظری
آقای دیپلوم انجنیر نظام الدین نظام
آقای دیپلوم انجنیر محمد یاسین نظامی
آقای دیپلوم انجنیر نعیم
آقای دیپلوم انجنیر سید مجتبی نورزاده
آقای دیپلوم انجنیر حبیب الرحمن نیازی
آقای دیپلوم انجنیر محمد اعظم نیوش
آقای دیپلوم انجنیر سید زلمی واعظی
آقای دکتور عبدالغفار ورد
آقای دیپلوم انجنیر تیمور یوسفی
آقای داکتر حکمت الله یوسفی

سایت نوای افغانستان:

<http://nawaaye-afghanistan.net/spip.php?article10795>